

نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی به‌عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای

محمدحسین رحمتی^۱

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی پردیس قم دانشگاه تهران

چکیده

در مقاله‌ی حاضر، پس از ارائه‌ی تعریف از علم و دین و تشریح رابطه‌ی آنها، «علم دینی» و رویکردهای مختلف نسبت به آن تشریح می‌شوند. در ادامه، ضمن تبیین حوزه‌ی بحث علم دینی، جایگاه ارزش‌ها در علوم مورد توجه قرار گرفته و روش‌های ارزش‌محور کردن علوم (تکنیک تهذیب علوم و بومی‌سازی) مورد اشاره واقع می‌شوند و میان‌رشته‌ای بودن مدیریت اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش اصلی مقاله، به تشریح ابعاد و زوایایی می‌پردازد که آثار منتخب از میان کتاب‌های مدیریت اسلامی بر مبنای آنها تجزیه و تحلیل می‌شوند. در یک بررسی اجمالی مشخص شد حدود ۷۰ جلد کتاب در این زمینه تألیف شده که در این مقاله ۱۳ کتاب مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بررسی فراتحلیلی مقاله، از چهار بُعد به این منابع پرداخته می‌شود که شامل بررسی محتوایی و موضوعی، بررسی روش‌شناختی، بررسی منابع مورد استفاده و در نهایت بررسی مؤلفان و نویسندگان می‌شود.

کلیدواژه‌ها: علم، دین، علم دینی، مدیریت اسلامی، نوع‌شناسی، دانش میان‌رشته‌ای.

مقدمه

با اندکی بررسی می‌توان به تألیفات متعددی دست یافت که با هدف تشریح جایگاه دانش مدیریت در متون و منابع اسلامی به نگارش درآمده‌اند. این منابع تا کنون از ابعاد مختلفی مورد توجه بوده‌اند اما با توجه به نیاز جدید جوامع در حوزه مدیریت ارزشی، مطالعات میان‌رشته‌ای مدیریت و ادیان وارد محافل دانشگاهی شده است. در جوامع اسلامی نیز مطالعات مدیریت اسلامی با این فلسفه مورد بحث و بررسی علمی و تحقیقاتی قرار می‌گیرد. مدیریت اسلامی در جایگاه یک میان‌رشته‌ای از اصول، مبانی و یافته‌های دو حوزه‌ی مطالعات دینی - اسلامی و مدیریت ریشه می‌گیرد. با وجود اینکه این تألیفات اندک نیستند اما هنوز این سؤال در ذهن محققان باقی است که چرا منابع مدیریت اسلامی نتوانسته همچون سایر کتاب‌ها و منابع مدیریت، راهگشای مدیریت جوامع اسلامی باشد؟ در پاسخ به این سؤال تلاش‌های علمی متعددی صورت گرفته است. در همین راستا در محافل علمی و کلاس‌های درسی رشته‌ی مدیریت، به مدیریت اسلامی و فلسفه‌ی مدیریت در اسلام پرداخته می‌شود.

در برخی تلاش‌های علمی، هدف ارائه‌ی نوعی فراتحلیل از مباحث و منابع ارائه شده در حوزه‌ی مدیریت اسلامی است.^۱ این مقاله نیز در تلاش است با انتخاب چند اثر از میان آثار ارزشمند به نگارش درآمده در حوزه‌ی بحث (مدیریت اسلامی) و تحلیل آنها از ابعاد مختلف، در شناساندن و معرفی هرچه بهتر این منابع، جامعه علمی را یاری رساند. لازم به ذکر است در این مقاله تنها آن دسته از آثار مربوط به مدیریت اسلامی مدنظر است که به زبان فارسی و توسط اندیشمندان شیعه به نگارش درآمده است.

علم دینی به عنوان یک علم میان‌رشته‌ای و رویکردهای مختلف نسبت به آن

یکی از دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های دانشمندان مسلمان و اندیشمندان دیندار، شناسایی نوع تعامل میان دین و علم بوده است. سؤال کلی این است که آیا علم دینی امکان‌پذیر است؟ ارتباط علم و دین و به تبع آن امکان‌پذیری مصادیقی از علم دینی همچون امکان‌پذیری مدیریت اسلامی، یعنی ارتباط دانش مدیریت و اسلام یا امکان‌پذیری جامعه‌شناسی اسلامی، امکان‌پذیری روان‌شناسی اسلامی و... چگونه قابل تبیین است؟ قطعاً پاسخگویی به چنین

۱. از جمله مراجعه شود به: خنیفر، حسین، «تحلیل محتوای منابع مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، نشریه فرهنگ مدیریت، شماره ۱۰، ۱۳۸۴.



سؤال‌هایی نیازمند توجه به سه عنصر اساسی است: «تعریف دین»، «تعریف علم» و «رابطه‌ی علم و دین» (امیری، ۱۳۸۵: ۱۵۷).

تعریف دین

دین در اصطلاح به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورات عملی متناسب با این اعتقاد است. این تعریف شامل تمام ادیان می‌شود و دین حق عبارت از آیینی است که دارای عقاید درست و مطابق با واقعیت بوده و رفتارهایی را مورد توصیه و تأکید قرار می‌دهد که از ضمانت کافی برای صحت و اعتبار برخوردار باشند. بنابراین دین از دو بخش تشکیل شده است: عقیده یا عقایدی که حکم اساس و ریشه‌ی آن را دارد (اصول) و دستورات عملی که متناسب با آن پایه‌های عقیدتی و برخاسته از آنها باشد (فروع) (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۲).

تعریف علم

تعابیر زیادی از علم و واژه‌های هم‌معنا با آن ارائه شده که هریک از موضع خاصی صورت گرفته است (فعالی، ۱۳۷۸، ۳۸). انسان دارای قوه‌ی مدرکه است و از این حیث به آن عالم یا مُدرک می‌گویند. مُدرک بودن مستلزم «طرف درک» یا «ادراک‌شونده» است که از نوعی دوگانگی و تضاد برخوردارند و لازمه‌ی پیدایش درک این است که به نحوی این دوگانگی از میان برداشته شود و «طرف درک» نزد قوه‌ی مدرکه حاضر شود، زیرا حضور ادراک‌شونده نزد ادراک‌کننده، عین درک و عین یقین به آن است و تنها در این صورت قابلیت تردید در آن از بین می‌رود. ملاک و معیار عدم تردید در آنچه حاضر می‌شود نیز خود قوه مدرکه است؛ زیرا در ذات خود از چنین پتانسیلی برخوردار است و ذات آن «درک کردن» است، چه اینکه به همین خصلت تعریف شده است.

قوه‌ی مدرکه در انسان را همان نفس مجرد انسانی دانسته‌اند و بنابر مبانی فلسفی علم عبارت است از: حضور خود شیء یا صورت جزئی یا کلی آن نزد موجود مجرد که همان نفس یا قوه‌ی مدرکه است (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۲۳). در جایی دیگر درباره‌ی تعریف علم می‌خوانیم: «علم در لغت به معنی یقین، معرفت و دانش است. واژه علم در مفهوم کلی خود بر هر نوع آگاهی نسبت به اشیا، پدیده‌ها، روابط و... اطلاق می‌شود؛ اعم از آنکه در حوزه‌ی جهان مادی قرار داشته باشد یا مربوط به عالم معنا و ماوراءالطبیعه باشد. به این اعتبار، می‌توان



علم بشر را مجموعه‌ی آگاهی‌ها، دانش‌ها و معلوماتی دانست که تاکنون نسبت به دنیای ماده و عالم معنا پیدا کرده و چون آگاهی‌ها و دایره‌ی شناخت بشر افزایش می‌یابد، بنابراین علم او نیز دائماً در حال افزایش است» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۰).

به علم در مفهوم کلی و عام آن Knowledge اطلاق می‌شود. از واژه علم مفهوم خاصی نیز تعبیر شده و آن Science است که مقصود، آن بخش از دانستنی‌ها و آگاهی‌های نوع بشر است که به روش‌های تجربی قابل اثبات و تأیید باشد. این نوع علم بیشتر مترادف با علوم تجربی و طبیعی به کار گرفته شده است (سروش، ۱۳۵۷: ۵).

در این مقاله، برداشت دوم از علم مورد تأکید است و هنگامی که از نسبت علم و دین صحبت به میان می‌آید منظور رابطه‌ی دانش مدیریت^۱ که در قالب نظریه‌های این علم تجلی می‌کند و دین اسلام است.

نسبت علم و دین به عنوان اصول و مبانی یک میان‌رشته‌ای

پس از تعریف علم و دین به بررسی نسبت دین و علم پرداخته می‌شود. در یک حصر عقلی این نسبت از سه حالت بیرون نیست:

۱. **توافق مطلق:** یک احتمال این است که علم و دین از همه‌ی جهات با هم توافق داشته و به عبارتی کاملاً هماهنگ باشند، به گونه‌ای که دوروی یک سکه باشند و اختلافی میان آنها نباشد. در این رویکرد، قول به توافق صد درصد بین علم و آموزه‌های دینی (و اینکه همه علوم اعم از طبیعی، ریاضی و انسانی با تدبیر در آیات قرآنی قابل استخراج است) مبتنی بر تصور نادرستی از دین است؛ زیرا بر اساس این دیدگاه دین برای رفع تمام احتیاجات بشری نازل شده اما در ابراز چنین مطلبی نه از متون دینی استفاده می‌شود و نه مبنای عقلانی دارد و نمی‌توان مدعی شد دین جایگزین همه‌ی معارف بشری است، بلکه اساساً علم اسلامی قادر به پیش‌بینی هیچ واقعه‌ای نیست، نه قانونی را می‌توان با آن کشف کرد و نه هیچ ماشینی را می‌توان بر اساس آن ساخت، بلکه آنچه در علوم اسلامی است، توضیح بعد از کشف است. به عبارت دیگر، بعد از اینکه دیگران حقیقتی را کشف کردند، به منابع رجوع می‌شود تا نشان دهند دین هم این امر را پیش‌بینی کرده یا سعی می‌شود حکم مواجهه با آن از منابع استخراج شود (فناپی اشکوری، ۱۳۸۰: ۳۰، ۳۵).





۲. **تعارض مطلق:** احتمال دوم این است که علم و دین در همه‌ی جهات با هم تعارض داشته و به عبارتی کاملاً ناهماهنگ باشند، به نحوی که هیچ وجه اشتراکی را نتوان میان آنها مشاهده کرد. نظریه تعارض بین علم و دین نیز در این رویکرد مقبول نیست؛ با این استدلال که اگر علم، یافته‌های قطعی و درست از عالم باشد، هیچ‌گاه با دین حق معارض نیست و به فرض هم اگر قضیه‌ای با دلیل عقل قطعی منافی باشد، حجیت ندارد و دلیل عقلی مقدم است (حسین‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

البته این به معنای انکار تعارض آرای دینی برخی افراد با علم نیست اما وجود چنین تعارضی میان علم و دین به معنای آن است که فهم علمی با فهم دینی مورد نظر دچار تعارض شده است (همان: ۴۰).

۳. **توافق منطقی:** احتمال سوم این است که علم و دین نه توافق کامل دارند و نه تعارض صد درصد، بلکه دو امر متمایزند که از نوعی توافق منطقی و هماهنگی نسبی برخوردارند؛ به گونه‌ای که هم دارای نقاط مشترک هستند و هم دارای وجوه اختلاف و مختص خود.

بر این اساس، هرچند در دین مسائل بسیاری وجود دارند که برای عقل و علم قابل فهم نیستند و عقل پرسش‌هایی درباره‌ی آنها مطرح می‌کند که یافتن پاسخ عقلی برای آنها دشوار است؛ اما هیچ آموزه‌ی دینی در اسلام با یافته‌ی صریح عقلی در تناقض نیست. علاوه بر این حوزه‌ی مشترک عقل و دین، در مباحثی همچون اصول اخلاقی و وجود خدا و حوزه‌ی خاص دین در مباحثی همچون احوال، قیامت، معاد، احکام عبادی و فقهی و نیز حوزه خاص عقل در مباحثی همچون علوم طبیعی و ریاضیات و برخی مسائل فلسفی چون وجود، جزء جدانشدنی است.

حوزه‌ی بحث و تحلیل علم دینی

تیین توافق منطقی میان علم و دین در این رویکرد، بدین گونه است که با تقسیم علوم به دو دسته «علوم انسانی» (مانند علوم پایه و طبیعیات و علوم تجربی) و با این فرض که ارزش‌ها تنها در ارتباط با انسان موضوعیت می‌یابند، در تحلیل علم دینی، آن را تنها در حوزه‌ی «علوم انسانی» قابل طرح دانسته، در باب علوم تجربی و طبیعی، بحث از دین، ارزش و به طور اخص، اسلامی شدن علوم امری بی‌معنا تلقی می‌شود.

بنابراین اگر گفته شود دین کامل است و قلمرو وسیعی را شامل می‌شود، بدین معنا نیست



که قلمرو دین شامل حوزه‌ی طبیعت، تاریخ، علوم تجربی و معارف و مانند آن است زیرا قرآن یا احادیث معصومین (ع) کتاب هدایت‌اند نه کتاب فرضیه‌های علوم تجربی و یا قوانین و فرمول‌های ریاضی. البته دین و مباحث آن سهم به‌سزایی در رشد علوم، شیوه‌های پژوهش، پیشرفت فرهنگ بهداشت فردی و عمومی داشته‌اند و تأثیر ژرف آنها را نمی‌توان انکار کرد؛ با این حال دین در حوزه‌ی علوم تجربی و معادلات آن، تنها بر یادگیری تأکید کرده است. به تعبیر دقیق‌تر، حوزه‌ی و قلمرو دین صرفاً افعال اختیاری انسان است و از این رو شامل افعال غیرانسانی و افعال غیراختیاری انسان نمی‌شود؛ یعنی دین مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌های اخلاقی و احکام است که به افعال اختیاری انسان اختصاص دارد (فناپی اشکوری، ۱۳۸۰: ۷۳).

در بخش اخلاق نیز احکام و ارزش‌ها و بایدها و نبایدها که در سعادت و شقاوت مؤثرند، در قلمرو دین حضور دارند. بنابراین مسائلی که در حوزه افعال غیراختیاری انسان قرار دارند مانند کیفیت عملیات دستگاه گوارش یا گردش خون، از حوزه‌ی دین خارجند (حسین‌زاده، ۱۳۷۹: ۴۹). با این وصف روشن است که مدیریت (به عنوان یک علم انسانی) می‌تواند اسلامی یا غیراسلامی باشد.

علوم انسانی اسلامی؛ میان رشته‌ای مادر

بر اساس آنچه گفتیم، تنها علوم انسانی هستند که می‌توانند با دین مرتبط شوند. به صورت مصداقی نیز علوم می‌توانند به اسلام نسبت داده شوند یا بر عکس اسلام می‌تواند به علومی نسبت داده شود که به نحوی با انسان مرتبط بوده و بدان واسطه جهت‌دار شوند. به عبارت دیگر تنها می‌توان «علوم انسانی اسلامی» داشت، نه «علوم اسلامی» که دانش مدیریت در این زمره قرار می‌گیرد.

علوم موجود

با توجه با اینکه علوم در اصطلاح علما، هم به علوم انسانی اطلاق می‌شود و هم به علوم تجربی و پایه و به طور کلی علوم غیرانسانی، لذا آنچه در دنیا به عنوان علم تولید شده و در آن روش‌های عقلی و تجربی به کار گرفته شده، در همه اشکال و طبقه‌بندی‌ها صحیح است، مگر خلاف آن اثبات شود. به عبارت دیگر، در اینجا اصل برائت جاری است یعنی علوم موجود اگر با دین اسلام مخالفت قطعی نداشته باشند، به منزله علوم سازگار و هماهنگ با اسلام و ارزش‌ها پذیرفته

می‌شوند، مگر مواردی که با آموزه‌های دینی در تعارض باشند که این هم تنها در علوم انسانی امکان‌پذیر است. در تأیید این مطلب در اینجا به ارائه تعریف مدیریت اسلامی از دیدگاه یکی از صاحب‌نظران می‌پردازیم: «مدیریت هنر و علم به‌کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصل اهداف سازمانی به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد» (نبوی، ۱۳۸۲: ۳۵).

تولید علوم اسلامی

از لحاظ ماهیت، اسلامی و غیراسلامی بودن علوم تجربی منتفی است. علوم انسانی نیز نسبتی با اسلام ندارند اما در مقایسه با آموزه‌های اسلامی، از دو حال بیرون نیست: (۱) علوم انسانی سازگار با آموزه‌های اسلامی که به دلیل سازگاری و عدم مخالفت می‌توانند اسلامی تلقی شوند و علاوه بر این، علمی که خاستگاه و متولی آنها خود دین است نیز به عنوان علم دینی خاصی تلقی می‌شوند مانند فقه، اصول و غیره؛ (۲) علوم انسانی ناسازگار با آموزه‌های اسلامی که اگر علوم انسانی در مقایسه با آموزه‌های اسلامی به گونه‌ای باشند که در تعارض با آنها قرار گیرند، در این صورت بر اساس سازوکارهای خاصی می‌توان این علوم را هم اسلامی و دینی ساخت.

در این راستا ممکن است دو تکنیک به کار گرفته شود: (۱) تکنیک تهذیب علوم: در این نگرش، علوم موجود در نسبت مقایسه با نظریه اندیشه اسلامی، دارای ناخالصی‌ها و انحراف‌هایی است که در فرایند دینی‌سازی باید پیراسته و احتمالاً بخش‌هایی نیز به آنها افزوده شود. علوم انسانی مانند روان‌شناسی، اقتصاد، مدیریت و... محصول کارکرد عقل آدمی است و به غرب یا شرق اختصاص ندارد. منتهی نه باید تسلیم محض آنها شد و نه باید آنها را مطلقاً رد کرد، بلکه باید به جرح و تعدیل و اصلاح و تکمیل آنها همت گماشت.

(۲) تکنیک بعدی، بومی‌سازی علوم است. بر این مبنا، در حکومت دینی و جامعه‌ی اسلامی، علاوه بر اینکه باید نسبت به برخی علوم حساسیت بیشتری به خرج داد و میدان وسیع‌تری را گستراند، در علوم انسانی نیز باید توجه داشت به واسطه‌ی ویژگی ممتاز و خاصی دارند که نمی‌توان آنها را در ردیف علوم تجربی که علوم جهان‌شمول و غیرمختص به مکان خاصی هستند، به حساب آورد؛ زیرا علوم تجربی، علوم خنثی، بدون جهت و واقع‌گرا هستند و ایمان و کفر و حق و باطل در ذات آنها راه ندارد، بلکه بسته به این است که در چه مسیر و هدفی به کار گرفته شوند؛ اما علوم انسانی چنین ویژگی ندارند و می‌توان ادعا کرد هر جامعه و فرهنگی،



علوم انسانی مختص به خود با ویژگی‌های متناسب با فرهنگ خود را داشته باشد؛ بنابراین باید نسبت به بومی‌سازی آنها اقدام کرد (امیری، ۱۳۸۵: ۳-۱۷۲).

آیا مدیریت اسلامی یک علم میان‌رشته‌ای است؟

با توجه به آنچه در تشریح علم دینی گذشت و طبقه‌بندی‌هایی که در رابطه با نسبت علم و دین ارائه شد، مدیریت در جایگاه «علوم انسانی ناسازگار با آموزه‌های اسلامی» قرار دارد و نسبت بین این علم و دین اسلام توافق مطلق و صد درصد نیست؛ از این رو اندیشمندان اسلامی بر آن شده‌اند تا با به کار بستن هر دو تکنیک (تهذیب علم مدیریت و بومی‌سازی آن) رشته‌ی مطالعاتی جدیدی را در رشته مدیریت به نام مدیریت اسلامی ایجاد کنند که به نوعی می‌توان آن را یک علم «بین‌رشته‌ای»^۱ تلقی کرد. در مطالعات مدیریت اسلامی، هدف کشف وجوه مشترک و نقاط مؤید بین روش مدیریت و دین اسلام است؛ از این رو متون و منابع بسیاری در قالب مقاله و کتاب ارائه شده که هر یک با رویکرد خاصی این مسئله را مورد مذاقه قرار داده‌اند.

تأکید این مقاله بر نوع‌شناسی و بررسی فراتحلیلی کتاب‌هایی است که موضوع اصلی و محتوای آنها مدیریت اسلامی است. تقریباً حدود ۶۰ جلد کتاب در این زمینه به زبان فارسی به رشته تحریر در آمده که می‌توان از ابعاد مختلف آنها را دسته‌بندی کرد. در پیوست مقاله به این آثار اشاره می‌شود.

نکته‌ی حائز اهمیت اینکه مؤلف در این مجال قصد ارزش‌گذاری بر این آثار را ندارد بلکه هدف ارائه توصیف و دسته‌بندی از منابع موجود در حوزه‌ی مطالعات مدیریت اسلامی است. با توجه به اینکه بررسی کلیه آثار منتشره خارج از حوصله‌ی این مقاله است لذا بر برخی آثار منتخب در این زمینه تأکید می‌شود. این بررسی دربرگیرنده‌ی بخش‌های زیر است:

(۱) توصیف اجمالی منابع،

(۲) نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی.

در بخش نخست، خلاصه‌ای از کتاب‌ها ارائه می‌شود و فهرست اجمالی آنها مورد اشاره قرار می‌گیرد. در بخش دوم با استناد به ابعاد چهارگانه‌ی زیر این کتاب‌ها مورد بررسی فراتحلیلی قرار می‌گیرند: الف) بُعد موضوعی یا محتوایی، ب) بُعد روش‌شناختی، ج) بُعد منابع و مآخذ مورد



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۰۴

دوره اول
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۸

استفاده و د) بُعد مؤلفان و نویسندگان. در ادامه به تشریح هریک از بخش‌های فوق می‌پردازیم.

۱. توصیف اجمالی منابع

همان‌طور که گفته شد حدود ۷۰ جلد کتاب در زمینه‌ی مدیریت اسلامی به زبان فارسی به نگارش درآمده که هریک مستقیم یا غیرمستقیم این موضوع را در کانون توجه خود قرار داده‌اند. در این میان، مقاله‌ی حاضر با بررسی ۱۳ عنوان کتاب درصدد نوع‌شناسی آنها برآمده است. این تعداد در حقیقت نمایانگر انواع مختلف مطالعات است. برای بررسی و تحلیل لازم است در ابتدا این آثار به طور اجمالی توصیف شوند؛ لذا در این قسمت ضمن ارائه توصیف اجمالی از کتاب‌ها به فهرست مختصر آنها نیز اشاره می‌شود.

مدیریت اسلامی؛ نویسنده: حسن نبوی

این کتاب در ۱۲ فصل ارائه شده و نویسنده در فصل نخست با عنوان حکومت و مدیریت اسلامی که ۳۶ صفحه از مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است، به صورت کلی و خلاصه به بیان تشکیل حکومت از نظر اسلام، حکومت و عدالت، رابطه‌ی حکومت و مدیریت، لزوم آگاهی از مدیریت اسلامی و تعریف مدیریت پرداخته است.

تعریف نویسنده در حوزه‌ی مدیریت عبارت است از: مدیریت هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات با هدف دستیابی به اهداف سازمانی به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد. (نبوی، ۱۳۸۲: ۳۵)

فهرست کتاب: مقدمه، حکومت و مدیریت اسلامی، برنامه‌ریزی، ارکان برنامه‌ریزی، سازماندهی، رفتار رهبری، انگیزش، کنترل، پیگیری، تصمیم‌گیری، سلوک در مدیریت، لغزشگاه.

مدیریت و فرمانداری در اسلام؛ نویسنده: آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

این کتاب در ۷ فصل گرد آمده است. نویسنده در فصل نخست با عنوان «ضرورت تشکیلات و اهمیت مدیریت» بر این باور است که مدیریت نوعی ایدئولوژی است یعنی نوعی از بایدهاست و بین ایدئولوژی و جهان‌بینی ارتباط وجود دارد. از آنجا که ایدئولوژی اسلامی است یعنی مدیریت و فرماندهی اسلامی است، قهراً جهان‌بینی هم باید اسلامی باشد و نویسنده چنین نتیجه می‌گیرد که کل عالم یک سازمان واحد و یک اداره‌ی کل است که خداوند هم فرمانده کل آن است و نظم موجود در عالم آفرینش را دلالت بر مدیریت بی‌نظیر خداوند در پهنه عالم هستی می‌داند. نویسنده پس از غور در سیر آفاقی، به سیر انفسی پرداخته و با طرح اینکه وجود هر انسان یک نظام تشکیلاتی است معتقد است این نظام اجزایی دارد و اگر تمام ابزار





و وسایل لازم برای انجام یک کار را به منزله جسم فرض کنیم، مدیریت صحیح به منزله روح آن است و با جدا شدن این روح، چیزی جز لاشه‌ی گندیده‌ای باقی نخواهد ماند. تشبیه نقش فرمانده و مدیر در جامعه به رشته و نخ گردنبند با استناد به فرمایش حضرت علی (ع) از دیگر استشهادات نویسنده در این فراز است. نویسنده اهداف مدیریت اسلامی را از حکومت اسلامی جدا نمی‌داند و بر این باور است که حکومت اسلامی برای چهار هدف عمده طراحی شده است: (۱) آگاهی بخشی به انسان‌ها، (۲) تربیت معنوی و احیای ارزش‌های اخلاقی، (۳) اقامه قسط و عدل به صورت خودجوش و برخاسته از متن جامعه، (۴) آزادی انسان‌ها از زنجیر.

فهرست کتاب: مقدمه، ضرورت تشکیلات و اهمیت مدیریت، پیامبر اسلام مدیر و فرماندهی بی نظیر، مسئولیت‌ها و وظایف ده‌گانه‌ی مدیر و فرمانده، صفات و شرایط ویژه‌ی مدیران اسلامی، نمونه‌هایی از مدیریت اسلامی، توصیه‌های مهم به مدیران.

منشور مدیریت؛ نویسنده: سید محمد مقیمی

این کتاب از یک مقدمه‌ی کوتاه، بخش ویژگی‌های عام مدیریت^۱ و بررسی تطبیقی اصول مدیریت گرد آمده است. نویسنده در آغاز بحث به ویژگی‌های عام مدیران اشاره می‌کند و از نشانه‌هایی چون تقوا و پرهیزگاری، شایستگی و توانایی، تسلط بر هوای نفس، حُسن سابقه، امانتداری، مهربانی با زیردستان، میانه‌روی و اعتدال، سعه صدر، وفای به عهد، احتیاط و دوراندیشی و پرهیز از خودپسندی نام می‌برد. نویسنده در این فرازها به عبارت‌هایی از نهج‌البلاغه‌ی حضرت امیر اشاره و بر لزوم پایبندی مدیران به این اصول تأکید می‌کند.

یکی از اصولی که در آغاز نویسنده بدان اشاره دارد، اصل توکل و اعتقاد به خداست. وی بر این باور است که: «... در اغلب اوقات تصمیم‌گیرنده^۲ در راه اخذ تصمیم به مدد و کمک و نقطه‌ی اتکایی نیاز دارد تا بدون بیم و هراس کار انتخاب را انجام دهد و توکل، این نقطه‌ی اتکا و قوت قلب را برای وی فراهم می‌آورد...». نویسنده سپس به اصل سلسله‌مراتب اشاره می‌کند، دیدگاه ماکس وبر و هنری فایول را در خصوص اصل سلسله‌مراتب تشریح نموده و آنگاه به تطبیق با نظر امیرمؤمنان (ع) می‌پردازد و با استناد به فرمایش مولا چنین می‌نویسد: «... در دیدگاه امام علی (ع) حاکمیت مطلق از آن خداوند است و طبیعت در ید قدرت لایزال او قرار دارد و حاکم اسلامی از جانب او مأموریت دارد احکام و دستورات او را پیاده کند...».

1. General Attributions of Management
2. Decision Maker



در منظر امام علی (ع) جامعه به عنوان نظامی تلقی می‌شود که متشکل از قسمت‌های مختلفی است و هر بخش نیازهایی دارد که باید برای تأمین نیازهای خویش با سایر دسته‌ها تعامل داشته باشد. نویسنده از منظر امام به سپاهیان، خراج‌گذاران (مالیات‌دهندگان)، داوران و قضات، دبیران، بازرگانان و پیشه‌وران، درویشان و فروماندگان اشاره می‌کند (مقیمی، ۱۳۸۰).

فهرست مطالب: مقدمه، ویژگی‌های عام مدیران، اصل توکل و اعتقاد به خدا، اصل سلسله‌مراتب، نگرش سیستمی، روش معرفت‌پذیری، مدیریت زمان، اصل تعهد به مشتری و ارباب رجوع، حفظ هنجارها و فرهنگ سازمانی، قانون‌مداری و ضابطه‌گرایی، اصل برابری و انصاف، تفقد و دلجویی از کارکنان و مردم، اصل بازخورد و خودگشودگی، تئوری تقویت مدیریت مشارکتی، نگرش و طرز تلقی مدیران از کارکنان، اصل تفویض اختیار، اصل مطلق بودن مسئولیت مدیریت، جبران خدمت کارکنان، کنترل و نظارت، اصل پاداش و تنبیه.

نگرشی بر مدیریت اسلامی؛ نویسنده: سید رضا تقوی دامغانی

این کتاب مرکب از ۱۲ بخش است. نویسنده در سرآغاز کتاب تعاریف متعددی را از مدیریت به نقل از دیگران ذکر کرده، اما از تعریف مختار خویش غفلت ورزیده و تعاریف را با نقل مطالب دیگران به پایان رسانده است. به‌ویژه آنکه مدعای نویسنده مدیریت اسلامی است اما با تعریفی از مدیریت به مفهوم غربی آن به مباحث خاتمه می‌دهد. نویسنده در بخش نخست با عنوان «اندیشه مدیریت»^۱ در چند سطر به بیان فزاینده‌ای از اندیشه‌های افلاطون، ارسطو، فارابی، ابن‌خلدون، اخوان‌الصفاء، ابوعلی سینا، خواجه نظام‌الملک طوسی، نظامی عروضی، سعدی شیرازی و مولوی پرداخته است. بخش دوم کتاب با عنوان «مدیریت چیست؟» به توصیف مدیریت پرداخته و متأسفانه نویسنده تعریف جامع و مانعی که شرط آغازین ورود به بحث است، ارائه نمی‌دهد و تنها با استناد به برخی روایات اظهار نموده که مدیریت امانت است، مدیریت تکلف است نه حق، مدیریت خدمت است نه حکومت، مدیریت بیشتر هدایت است تا حکومت (تقوی دامغانی، ۱۳۷۰).

فهرست کتاب: پیشگفتار، اندیشه مدیریت، مدیریت چیست، ضرورت مدیریت، نقش مدیریت، چارچوب‌های مدیریت، ارکان مدیریت، ابزار مدیریت، معیارهای شایستگی در مدیریت اسلامی، ویژگی‌های مدیر، عوامل موفقیت مدیر، اخلاق مدیریت، شئون مدیریت، آفات مدیریت.

پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی؛ نویسنده: محمدتقی مصباح یزدی

این کتاب در ۱۳ بخش تدوین شده و حاصل درس‌های نویسنده در دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران است. نویسنده به مباحثی از جمله انسان‌شناسی، مقدمه‌ی مدیریت و سایر علوم انسانی، ارتباط انسان‌شناسی با مدیریت، راه‌ترویج ارزش‌های اخلاقی، انسان‌شناسی و فلسفه‌ی اخلاق، دانشمند دینی و تحقیق عمیق در علوم اسلامی، انسان‌شناسی، پیش‌نیازی ویژه برای مدیریت و اسلام و ارزش‌های برتر در مدیریت اقتصادی پرداخته است.

وی ترتیب منطقی بحث مدیریت را از انسان‌شناسی می‌داند و معتقد است مدیریت متضمن توصیه به رفتارهای خاص انسانی است که در قالب بایدها و نبایدها و ارزش‌ها مطرح می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶)

فهرست کتاب: انسان‌شناسی مقدمه مدیریت، ضرورت وجود مباحث انسان‌شناسی، اسرار پیچیده‌ی روان، کاربرد فطرت در شاخه‌های مختلف، سرشت انسان، نظام ارزشی اسلام، تکامل‌پذیری انسان، تفسیری دیگر از قُرب، خلاصه‌ای از گفتار پیشین، فلسفه عرفان عملی، روابط بین ارزش‌ها، تراحم منافع در مدیریت مادی، برداشت‌های مختلف از مدیریت اسلامی.

مدیریت اسلامی؛ نویسنده: سید علی اکبر افجه‌ای

این کتاب مرکب از چهار بخش است. بخش نخست کتاب با عنوان مبانی مدیریت، مرکب از شش فصل است. نویسنده در فصل نخست با عنوان مکتب^۱ و علم^۲ به تبیین تفاوت مکتب و علم می‌پردازد. (افجه‌ای، ۱۳۷۷)

فهرست کتاب: پیشگفتار، مبانی مدیریت^۱، مبانی مدیریت منابع انسانی^۲، مبانی مدیریت تولید^۳، نتیجه‌گیری.

امامت و رهبری؛ نویسنده: شهید مرتضی مطهری

نویسنده پس از مقدمه‌ای نسبتاً طولانی که گزیده‌ای از مطالب پراکنده است، به بحث اصلی می‌پردازد. مقدمه‌ی مزبور را شورای نظارت بر نشر استاد مطهری، از مقدمه‌ی کتاب خلافت و ولایت ایشان با حذف برخی قسمت‌های آن به مباحثی از جمله امامت و منطق دیالکتیک،

1. School
2. Science
3. Management Basis
4. Human Resource
5. Generation Management



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۰۸

دوره اول
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۸



امامت و حفظ دین، امامت و رهبری، فوق راهنمایی و رهبری امامت ائمه اطهار (ع)، و امامت اختصاص یافته است. در این کتاب به موضوع معانی و مراتب امامت اشاره و نویسنده به معنی و مفهوم اختصاصی امام می‌پردازد. (مطهری، ۱۳۶۸)

فهرست کتاب: مقدمه، معانی و مراتب امامت، امامت و بیان دین بعد از پیامبر، بررسی کلامی مسئله امامت، استناد قرآنی مستقیم، امامت در قرآن، امامت از دیدگاه ائمه.

مدیریت علمی و مکتبی از دیدگاه اسلام؛ نویسنده: عباس اختری

این کتاب مرکب از دو فصل است. فصل نخست با عنوان «مسائل جنبی مدیریت» به مسائلی از جمله اینکه: مدیریت چیست؟ مدیریت و رشد، دسته‌بندی کلی مکاتب مدیریت، چیستی و مدیریت اسلامی، مدیریت علمی و مکتبی، دوگونگی مباحث مدیریت، توهم جدایی علم از مکتب، رابطه مدیریت با روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، تجربیات تاریخی و مدیریت پرداخته است. فصل دوم با عنوان «ترتیب مباحث مدیریت» به سه بخش مبانی و مسائل عمومی مدیریت، روابط انسانی و مدیریت و بالاخره مدیریت تولید تقسیم شده است.

فهرست کتاب: مقدمه، مسائل جنبی مدیریت، مبانی و مسائل عمومی مدیریت، روابط انسانی و مدیریت، مدیریت تولید.

تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی (ع)؛ نویسنده: غلامرضا اشرف سمنانی

این کتاب مرکب از شش فصل است. نویسنده در فصل نخست به رسم معهود آثار و پژوهش‌های تطبیقی^۱ عمل نموده و از علائق خویش و همچنین نیاز جامعه سخن رانده و بر علت انتخاب موضوع بدین سبب تأکید نموده و روش تحقیق خویش را بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای ذکر نموده است. فصل دوم کتاب با عنوان «سیر تحول مدیریت در تاریخ زندگی انسان» در سه بخش با عنوان‌های (۱) رهبری و مدیریت در جوامع باستانی، (۲) جنبش مدیریت علمی و (۳) مکاتب و تئوری‌های مدیریت تنظیم شده است. نویسنده در بخش نخست به مقوله‌ی پیدایش سازمان‌های اجتماعی و اداری در یونان قدیم، مدیریت عمومی در عصر قدیم، امور اداری در چین باستان، اداره‌ی امور عمومی در روم باستان، و اداره‌ی امور دولتی در ایران باستان، اشاراتی به اجمال نموده است. بخش دوم کتاب با عنوان «جنبش مدیریت علمی» به تیلوریسم اشاره می‌کند. بخش سوم کتاب به بیان مکاتب و تئوری‌های مدیریت اختصاص یافته و از مکاتب تئوری کلاسیک، مکتب روابط انسانی، تئوری تصمیم‌گیری، تئوری سیستم، مکتب انسان‌گرایان، تئوری X و تئوری Y، نظریه آبراهام مازلو، شبکه‌ی مدیریت بلیک

و موتن و نظریه آرجریس یاد می‌کند. فصل سوم کتاب به بررسی تاریخی عربستان اختصاص یافته و در دو بخش - اوضاع عربستان قبل از ظهور اسلام، و اوضاع عربستان بعد از ظهور اسلام - تنظیم شده است.

فهرست کتاب: کلیات، سیر تحول مدیریت در تاریخ زندگی اسلام، بررسی تاریخ عربستان، رهبری و مدیریت در اسلام، علی و حکومت، شیوه‌های رهبری و مدیریت امام علی (ع)، بازنگری و نتیجه‌گیری.

اخلاق مدیریت در اسلام؛ نویسنده: محمد ری شهری

فهرست کتاب: پیشگفتار، شرح صدر، آسان شدن مدیریت، رسایی سخن، معاون شایسته. اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام؛ نویسنده: سید محمدرضا تاج‌الدینی

فهرست کتاب: تعاریف و کلیات، معیارهای لازم و اساسی، اخلاق فردی کارگزاران، اخلاق کارگزاران در ارتباط با مردم، اخلاق کارگزاران در ارتباط با مافوق، اخلاق کارگزاران در ارتباط با یکدیگر، اخلاق کارگزاران با زیردستان، اخلاق مدیریتی کارگزاران.

مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن؛ نویسنده: محمد علی انصاری و همکاران

همان‌گونه که از پیشگفتار این کتاب برمی‌آید، مؤلفان با هدف پاسخگویی به نیاز جامعه‌ی علمی مدیریت در راستای تدوین یک منبع درسی برای درس «مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن» به نگارش این کتاب پرداخته‌اند. این کتاب از سه بخش تشکیل شده است: بخش اول شامل کلیاتی است که زمینه‌ساز ورود به مبحث مدیریت اسلامی بوده و مباحثی چون تعامل دین و علم، شناخت‌شناسی و بررسی منابع مدیریت اسلامی را مورد مطالعه قرار داده است.

بخش دوم مربوط به طرح اصول مدیریتی در نظام فکری اسلام است. در این بخش با توجه به رجوع و بازگشت مجموعه مباحث مطرح‌شده در شریعت مقدس، به سه اصل بنیادین توحید، نبوت و معاد که اصل مشترک تمامی ادیان توحیدی است پرداخته شده و از هر یک از این سه اصل اساسی، اصول سه‌گانه‌ای استخراج و تبیین شده و در کنار هر اصل، الگوهای معرفتی نیز بیان شده است. همچنین از منظری تطبیقی، به مباحث مدیریت علمی توجهی شده و این اشاره‌ها گاه به واسطه ضرورت بحث و گاه به جهت بیان انتقادی موضوع بوده است.

بخش سوم به تعریف مجموعه واژگان و اصطلاحات مدیریتی مورد استفاده در این کتاب اختصاص دارد و ضمیمه‌ای است که برای تسهیل مراجعات دانشجویان تدوین شده است.

همان‌طور که ذکر شد کتاب حاضر با مختصر تغییراتی در چارچوب سرفصل‌های تعیین‌شده



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۱۰

دوره اول
شماره ۴
پاییز ۱۳۸۸

توسط شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی تدوین شده است. طبیعی است طرح و عدم طرح پاره‌ای مطالب، به این دلیل است.

به اذعان مؤلفان کتاب، مبنا قرار گرفتن سه اصل توحید، نبوت و معاد در تدوین این کتاب بدین جهت است که اینها به عنوان اصول دین مطرح می‌شوند و دو اصل مذهب یعنی امامت و عدل نیز از این سه منبعث می‌باشند و چنانچه محدودیت کتاب مطرح نبود طرح آن دو اصل نیز بدون شک تکمیل‌کننده‌ی مطالب بود.

فهرست کتاب: کلیات، منابع مدیریت اسلامی، شناخت‌شناسی، توحید، معاد، نبوت، تعریف واژگان.

مدیریت در اسلام؛ نویسنده: علی آقاپروز و همکاران

این کتاب که از انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه است توسط جمعی از اعضای هیئت علمی گروه مدیریت این پژوهشگاه تدوین شده است، این کتاب از هشت بخش تشکیل شده و به طور کلی دربرگیرنده‌ی ۳۱ فصل است.

در هر بخش در ابتدا مفاهیم و کلیاتی ذکر شده که در حقیقت همان نظریه‌های غربی در حوزه‌ی مربوطه هستند. در ادامه هر بخش، با توجه به منابع اسلامی (قرآن و حدیث) برای هر یک از نظریه‌های غربی مؤیدات متعددی ارائه شده است.

در بررسی کلی کتاب روشن می‌شود که در بسیاری موارد، مؤلفان با قبول ساختار محتوایی نظریه‌های غربی، درصدد ارائه مستندات دینی برای آن هستند (ساختار کتاب مؤید این مطلب است) و در امور جزئی می‌توان به شواهدی برخورد که تقسیم‌بندی‌ها و ساختار مبتنی بر مطالعات دینی را در حوزه‌ی مدیریت ارائه کرده‌اند. این کتاب که در سال ۱۳۸۴ به چاپ سوم رسیده در ۳۵۰ صفحه به نگارش درآمده است.

فهرست کتاب: برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، سازماندهی، انگیزش، ارتباطات، رهبری، کنترل و نظارت، خودکنترلی.

۲. نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی

همان‌طور که قبلاً شرح آن گذشت به منظور تحلیل منابع و متون مطالعاتی در حوزه‌ی مدیریت اسلامی، در این مقاله ۴ بُعد مورد بررسی قرار می‌گیرد که در ادامه ضمن تشریح ابعاد هر یک از آنها، منابع تحت بررسی نیز در جایگاه خود مورد تحلیل قرار می‌گیرند.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۱۱

نوع‌شناسی مطالعات
مدیریت اسلامی ...

الف - بُعد موضوعی یا محتوایی

در بررسی محتوایی به عمل آمده کتاب‌هایی که در حوزه‌ی مدیریت اسلامی به نگارش درآمده‌اند مشخص شد این مطالعات از حیث موضوعی عملاً در ۳ دسته قرار می‌گیرند:

۱. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را در حد نظریه‌ها و اصول مدیریت و حکومت‌داری مطرح کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - انصاری و همکاران، محمدعلی، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، (تهران، انتشارات بیان هدایت نور، چاپ سوم، ۱۳۸۴).
 - تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰).
 - مصباح یزدی، محمدتقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶).
 - مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، (قم، انتشارات صدر، ۱۳۶۸).
 - مکارم شیرازی، ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، (قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۶۸).
 - اختری، عباس‌علی، مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳).
۲. کتاب‌هایی که مباحث مدیریت اسلامی را از حد نظریه گذرانده و تا حدودی وارد تکنیک‌ها و برنامه‌های عملیاتی شده‌اند از جمله:
 - آقاپیروز و همکاران، علی، مدیریت در اسلام، (انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۴).
 - افجه‌ای، سید علی‌اکبر، مدیریت اسلامی، (تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷).
 - مقیمی، سید محمد، منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر، (تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۸۰).
 - نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه، ۱۳۷۶).
۳. کتاب‌هایی که هدف آنها ارائه پندها و آموزه‌های اخلاقی برای مدیران جوامع اسلامی و انتقال اصول یا فنون مدیریت است از جمله:
 - تاج‌الدینی، سید محمدرضا، اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶).





• محمدی ری شهری، محمد، اخلاق مدیریت در اسلام، (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۴).

ب- بُعد روش‌شناختی

با بررسی مطالعات انجام‌شده مشخص می‌شود این کتاب‌ها از حیث روش‌شناسی در ۲ دسته کلی قرار می‌گیرند:

۱. کتاب‌هایی که در آنها مبنا و ساختار اصلی کتاب بر پایه نظریه‌های غربی مدیریت قرار دارد و در جریان مطالعه، از متون و منابع اسلامی (قرآن و حدیث) تأییدهایی برای آنها گردآوری شده است. از جمله:

مدیریت در اسلام، مدیریت اسلامی، منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر، مدیریت اسلامی.

۲. کتاب‌هایی که در آنها مبنا، متون و منابع اسلامی است و هر آیه و نشانه‌ای که به زعم نویسندگان با مباحث مدیریت و حکومت‌داری در جامعه اسلامی مرتبط بوده گردآوری شده و از ساختاربندی آیات و احادیث، کتابی تدوین شده است. از جمله کتاب‌های این دسته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام، نگرشی بر مدیریت اسلامی، اخلاق مدیریت در اسلام، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، امامت و رهبری، مدیریت و فرماندهی در اسلام.

لازم به توضیح است در این دسته آثار، معمولاً به سه روش عمل شده است:

۱. گردآوری آیات و احادیث مرتبط و تدوین کتاب بر مبنای آنها؛
۲. بررسی سیره عملی پیامبران و ائمه و ارائه الگوی مدیر اسلامی بر پایه آن؛
۳. تلفیقی از دو روش فوق.

ج- بُعد منابع مورد استفاده

کتاب‌های تحت بررسی در این مقاله را از حیث منابع می‌توان در ۴ دسته قرار داد:

۱. کتاب‌هایی که عمدتاً به استناد آیات و روایات به نگارش درآمده‌اند از جمله: اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام، اخلاق مدیریت در اسلام، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، امامت و رهبری، مدیریت و فرماندهی در اسلام.

۱. در اینجا به دلیل رعایت اختصار، از ذکر معرفی کامل کتاب خودداری می‌شود و صرفاً به نام اثر اشاره خواهد شد.



۲. کتاب‌هایی که به استناد متون و منابع علمی مدیریت و بر پایه آیات و روایات به نگارش درآمده‌اند مانند: مدیریت در اسلام، مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، اشرف سمنانی، غلامرضا، تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی (ع)، (تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۸).

مدیریت اسلامی، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، نگرشی بر مدیریت اسلامی، منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر، مدیریت اسلامی.

۳. کتاب‌هایی که عمدتاً بر پایه نهج‌البلاغه (به‌ویژه نامه‌ی حضرت علی (ع) به مالک اشتر) تدوین شده‌اند از جمله: منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر.

۴. کتاب‌هایی که منبع آنها را سخنرانی‌ها یا مقالات متنوع و مختلف تشکیل داده‌اند و ساختار منسجمی برای آن نمی‌توان در نظر گرفت مانند: پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی.

د - بُعد نویسندگان یا مؤلفان آثار

طبیعی است نویسندگان آثار مورد مطالعه در حوزه‌ی مدیریت اسلامی، در هر دو حوزه‌ی مدیریت و دین (اسلام) تخصص داشته باشند؛ با این وجود در بررسی آثار مربوطه این قاعده زیر سؤال می‌رود. در بررسی حوزه‌ی تخصصی مؤلفان مختلف، می‌توان نویسندگان را در ۳ دسته قرار داد:

۱. مؤلفانی که حوزه‌ی تخصصی آنها مطالعات دینی و مذهبی است و مدیریت را به طور جنبی و بسیار کلی مورد مطالعه قرار داده‌اند، نظیر: اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام، اخلاق مدیریت در اسلام، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، امامت و رهبری، مدیریت و فرماندهی در اسلام، مدیریت اسلامی.

۲. مؤلفانی که حوزه‌ی تخصصی آنها مدیریت است و جنبه‌ی دینی را از طریق مطالعات جنبی یا استفاده از آثار اندیشمندان دینی کسب کرده‌اند، مانند: مدیریت اسلامی، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر.

۳. مؤلفانی که جنبه دوساحتی حوزوی و دانشگاهی داشته و رشته‌ی مطالعاتی آنها در دانشگاه، مدیریت بوده است مانند: مدیریت در اسلام، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن. لازم به توضیح است تخصص مؤلف به عنوان بُعد چهارم این تحقیق، تأثیر بسزایی در سایر

ابعاد دارد. به عبارتی می‌توان تأثیر این مؤلفه را در ساختاربندی کتاب، روش مطالعه و گردآوری مطالب، منابع مورد استفاده و حتی موضوع و محتوای کتاب به وضوح مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

این مقاله به جستجوگران و علاقه‌مندان به مطالعه در حوزه‌ی مدیریت اسلامی کمک می‌کند از زوایایی محدود، به نوع‌شناسی مطالعات مدیریت اسلامی و کتاب‌های منتشره در این حوزه دست بیابند. این مقاله بر آثار منتخب (۱۳ عنوان کتاب) تأکید دارد و بررسی تمامی آثار موجود در این حوزه، نیازمند تحقیقات گسترده‌تر و عمیق‌تری است. همچنین لازم به یادآوری است نوع‌شناسی و بررسی فراتحلیلی صرفاً در مورد کتاب‌هایی است که به زبان فارسی و توسط مؤلفان شیعه به نگارش درآمده‌اند و بررسی آثار مرتبط به زبان‌های غیرفارسی که توسط مؤلفان با مذاهب دیگر انجام شده، در جایگاه خود نیازمند تحقیقاتی به مراتب علمی‌تر و وسیع‌تر است.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۱۵

نوع‌شناسی مطالعات
مدیریت اسلامی ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

پیوست: فهرست کتب و منابع تدوین شده در زمینه‌ی مدیریت اسلامی

۱. آقاپیروز و همکاران، علی، مدیریت در اسلام، (انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۴).
۲. ابراهیمی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵).
۳. اختری، عباسعلی، مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳).
۴. اسلامی، احمد، مدیریت اسلامی، (اصفهان، جهاد دانشگاهی صنعتی اصفهان، ۱۳۶۶).
۵. اشرف سمنانی، غلامرضا، تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی (ع)، (تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۶۸).
۶. افجه‌ای، سید علی اکبر، مدیریت اسلامی، (تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷).
۷. امین‌زاده، محمدرضا، اخلاق کارگزاران، (قم، مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۸).
۸. انصاری و همکاران، محمدعلی، مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، (انتشارات بیان هدایت نور، چاپ سوم، ۱۳۸۴).
۹. انصاری، محمدعلی، مدیریت اسلامی، (مشهد، نشر محقق، ۱۳۷۸).
۱۰. باتمانقلیچ، فریور، مدیریت اسلامی (نظام مشارکت - زیربنایی مدیریت اسلامی)، (تهران، مؤلفی، ۱۳۷۱).
۱۱. برنجی، محمدرضا، نگرشی بر مدیریت در اسلام، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷).
۱۲. بهشتی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، (تهران، سازمان امور اداری و استخدامی، ۱۳۶۴).
۱۳. پورسیف، عباس، مدیریت اسلامی (مدیریت بر سه بنیان)، (تهران، واثقی، ۱۳۷۵).
۱۴. تاج‌الدینی، سید محمدرضا، اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶).
۱۵. تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰).
۱۶. تقوی راد، محمدعلی، لغزشگاه‌های مدیریت از دیدگاه اسلام، (تهران، نشر مسعی، ۱۳۷۶).
۱۷. توانایان فرد، حسن، مبانی مدیریت و مدیریت در اسلام، (تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸).
۱۸. توکلی، هادی، ارزیابی اهلیت کارگزاران از دیدگاه اسلام، (تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اداری سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۷۴).
۱۹. جاسبی، عبدالله، مباحثی در مدیریت اسلامی، (تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸).
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، نگرشی بر مدیریت از دیدگاه اسلام، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲).
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، اخلاق کارگزاران در حکومت اسلامی، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۶۴).





۲۲. حسین آل‌هاشمی، سید منیرالدین، مدیریت دینی و علمی، (قم، فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۷۴).
۲۳. حسینی سیاهپوش، سید محمود، مبانی سرپرستی و رفتار سازمانی در اسلام شرق و غرب، (تهران، مؤسسه اسلامی ایجد، ۱۳۶۶).
۲۴. حسینی سیاهپوش، سید محمود، سیری کوتاه در مدیریت اسلامی، (تهران، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۶۴).
۲۵. حسینی سیاهپوش، سید محمود، نقطه‌نظرهای اسلامی در مدیریت، (تهران، مؤسسه اسلامی ایجد، ۱۳۶۸).
۲۶. خاکبان، سلیمان، مدیریت اسلامی، (قم، نشر حضور، ۱۳۷۵).
۲۷. خامنه‌ای، سید علی، اخلاق کارگزاران، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۸).
۲۸. خنیفر، حسین، پیش‌درآمدی بر اصول و مبانی مدیریت و دیدگاه امام علی (ع) با نگرش تطبیقی، (تهران، نشر بیک دبیران، ۱۳۸۰).
۲۹. دیدگاه‌های اسلام در مدیریت، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۸).
۳۰. ذاکری، علی‌اکبر، سیمای کارگزاران علی (ع)، (قم، مرکز تحقیق و توسعه حوزه علمیه، ۱۳۷۵).
۳۱. رشیدیپور، عبدالمجید، دیباچه‌ای بر مدیریت در اسلام، (تهران، انتشارات نهضت، ۱۳۷۰).
۳۲. رضایی، عبدالعلی، درآمدی بر مدیریت توسعه اجتماعی نظام فکری، (قم، فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۷۶).
۳۳. سبحانی، جعفر، ویژگی‌های مدیریت اسلامی، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲).
۳۴. شمس‌الدین، محمدمهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، مترجم: سید مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵).
۳۵. صدوق، بررسی تطبیقی اصول موضوعه‌ای علم مدیریت الهی و مادی، (قم، فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۷۶).
۳۶. ضمیری، محمدعلی، مدیریت اسلامی، (تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۱).
۳۷. طیب، مهدی، مدیریت اسلامی، (تهران، نشر سفینه، ۱۳۷۹).
۳۸. عباس نژاد، محمد، مدیریت از دیدگاه قرآن، (زوند، دانشکده صنعت و معدن، ۱۳۷۵).
۳۹. عسگریان، مصطفی، مدیریت اسلامی، (تهران، جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۰).
۴۰. علی‌آبادی، علیرضا، مدیران جامعه اسلامی، (تهران، نشر رامین، ۱۳۷۲).
۴۱. عمید زنجانی، عباسعلی، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در نظام رهبری و مدیریت از دیدگاه عقل و وحی، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲).
۴۲. غمخوار، بیژن، نگرشی بر شیوه‌ها و روندهای مدیریت متداول. مدیریت از دیدگاه اسلام، (تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۳).



۴۳. فایضی، علی، کاربرد اصول مدیریت در جوامع با جهت‌گیری اسلامی، (تهران، نشر فطرت، ۱۳۷۵).
۴۴. قبادی، اسماعیل، اصول و مبانی مدیریت اسلامی، (تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فقه، ۱۳۷۸).
۴۵. قوچانی، محمود، فرمان حکومتی، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۷).
۴۶. ماحوزی، مهدی، علی (ع) و آیین رهبری، (تهران، نشر پیک دانش، ۱۳۶۳).
۴۷. مجد افندی، حسن، نگرشی توحیدی در مدیریت و اداره عمومی مفاهیم، اصول و یک روش جدید، (تهران، مرکز بررسی‌ها و مطالعات استراتژیک، اداری سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۷۶).
۴۸. محمدی ری‌شهری، محمد، اخلاق مدیریت در اسلام، (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۴).
۴۹. محمدی ری‌شهری، محمد، رهبری در اسلام، (قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵).
۵۰. مختار، مسعود، تخصیص‌ها و شروطی که از نظر اسلام باید در یک مدیر وجود داشته باشد، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۲).
۵۱. مرعشی، جعفر، مدیریت اسلامی نظام فکر، (تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۲).
۵۲. مرعشی، جعفر، مقولاتی در زمینه مدیریت اسلامی، (تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۲).
۵۳. مسلمی‌زاده، طاهره، مدیریت اسلامی از نگاه قرآن و روایات، (تهران، مؤسسه تحقیقاتی عاشورا، ۱۳۷۸).
۵۴. مشبکی، اصغر، مطالعه تطبیقی اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۱).
۵۵. مشرف جوادی، محمدحسین، اصول و متون مدیریت در اسلام، (همدان، نور علم، ۱۳۷۸).
۵۶. مشهدی، محمدکاظم، نظام‌نامه حکومت، (قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۵).
۵۷. مصباح یزدی، محمدتقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶).
۵۸. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، (قم، انتشارات صدر، ۱۳۶۸).
۵۹. مظفریان، منوچهر، رهبری و مدیریت در اسلام، (تهران، مطبوعات عطایی، ۱۳۶۲).
۶۰. مقیمی، سید محمد، منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر، (تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۸۰).
۶۱. مکارم شیرازی، ناصر، مدیریت و فرماندهی در اسلام، (قم، مطبوعات هدف، ۱۳۶۸).
۶۲. موسوی خمینی، روح‌الله، اخلاق کارگزاران، (تهران، سازمان امور اداری و استخدامی، ۱۳۷۶).
۶۳. مهدوی، ولی‌الله، اخلاق اداری در نهج‌البلاغه، (تهران، مرکز تحقیقات اداری سازمان امور اداری و استخدامی، ۱۳۷۶).
۶۴. نادری، قمی، محمد مهدی، قدرت در مدیریت اسلامی، (قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸).

۶۵. نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، (قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه، ۱۳۷۶).
۶۶. نقی پورفر، ولی‌الله، اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، (تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶).
۶۷. واثقی، قاسم، درس‌هایی از اخلاق مدیریت، (تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳).
۶۸. الوان کار، سید حسین، جلوه‌های مدیریت در نامه‌های حضرت علی (ع)، (تهران، نشر کتاب آشنا، ۱۳۷۴).
۶۹. هاشمی رکاوندیسید، مجتبی، رهبری و مدیریت (در ایران، اسلام و غرب)، (تهران، نشر باطن، ۱۳۷۹).
۷۰. هاشمی، حسین، بررسی رابطه مدیریت با توسعه نظام ولایت، (قم، فرهنگستان علوم اسلامی، ۱۳۷۵).



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۱۹

نوع‌شناسی مطالعات
مدیریت اسلامی ...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آقابیزوزع. و همکاران، (۱۳۸۴) مدیریت در اسلام، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- اختری، ع. (۱۳۷۳) مدیریت علمی مکتبی از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- اشرف سمنانی، غ. (۱۳۶۸) تحلیلی از مدیریت اسلامی در پنج سال رهبری امام علی (ع)، تهران، انتشارات بعثت.
- افجه‌ای، ع. (۱۳۷۷) مدیریت اسلامی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- امیری، ع. (۱۳۸۵) «رویکردهای مختلف نسبت به رابطه علم و دین»، نشریه پژوهش‌های دینی، شماره چهارم.
- انصاری م. و همکاران، (۱۳۸۴) مبانی مدیریت اسلامی و الگوهای آن، انتشارات بیان هدایت نور، چاپ سوم.
- تاج‌الدینی، م. (۱۳۷۶) اخلاق کارگزاران از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- تقوی دامغانی، ر. (۱۳۷۰) نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- حافظ‌نیا، م. (۱۳۸۶) مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران، سمت.
- خنیفر، ح. (۱۳۸۴) «تحلیل محتوای منابع مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب»، نشریه فرهنگ مدیریت، شماره دهم.
- حسین‌زاده، م. (۱۳۷۹) دین‌شناسی، قم، انتشارات مؤسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی (ره).
- سروش، ع. (۱۳۵۷) علم چیست، فلسفه چیست؟ تهران، انتشارات حکمت.
- فعالی، م. (۱۳۷۸) علوم پایه، نظریت پراخت، قم، نشر الصادقین.
- فناپی اشکوری، م. (۱۳۸۰) دانش اسلامی، دانشگاه اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی (ره).
- محمدی ری‌شهری، م. (۱۳۷۴) اخلاق مدیریت در اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- مصباح یزدی، م. (۱۳۷۵) آموزش عقاید، ج ۱، مؤسسه پژوهشی آموزشی امام خمینی (ره).
- _____ (۱۳۷۸) آموزش فلسفه، تهران، انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- _____ (۱۳۷۶) پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، م. (۱۳۶۸) امامت و رهبری، قم، انتشارات صدر.
- مقیمی، م. (۱۳۸۰) منشور مدیریت یا نگرش تطبیقی به فرمان حکومتی علی (ع) به مالک اشتر، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۶۸) مدیریت و فرماندهی در اسلام، قم، مطبوعاتی هدف.
- نبوی، م. (۱۳۷۶) مدیریت اسلامی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- نقی پورفر، و. (۱۳۷۶) اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.

